

باباجان، ستاره ای از دیار مولانا و رحمان بابا براسمان معرفت دکن



باباجان، افغان زنی که شاهنشاه روحانیت عصرش بود

(قسمت دوم)

باباجان : روحانیت و تصوف

طوری که اشاره شد پدر باباجان سردار نظر محمد خان خود غرق رموز از دنیای ارادت و معنویت بود، غالباً این کار در زمانی صورت میگیرد که اوبه سرزمین تصوف پرورهند قدم نهاد و فضای دیار غربت را با همه ناتوانی هاش به نظاره گرفته است. بالاخره تنها منظر جلوی دیدان که او را بخود جلب نموده، همان جوش و خروش دنیای معرفت و طریقت بوده که از یک طرف بار معنویت و روحانیت را با خود داشت، و از طرف دیگر این یگانه ارمغان مردان حق و حقیقت بود که رنگ و بوی ارادت راستین را از دیار غزنه، کابل، قندهار، هرات، غور و چشت با خود تا سرزمین هندوستان رسانیده بود.

در باره تصوف و ارزشهای والای تصوفی اسلامی خاصاً در شرق هندوستان این نکته را نباید از یاد برد که واژه تصوف معادل مفاهیمی چون (گسترش) و یا (معرفی ارزشهای) انسانی و اسلامی بوده، درین باره آن نظرات که حقایق موجود در یک محیط مشخص را در رابطه با تعبیر و تفسیر تصوف اسلامی در نظر نمی گیرند، آنها معمولاً جریان تصوفی شرق و خصوصاً شبه قاره را به دیده انتقادی مینگرند. بگونه مثال شماری از نویسندگان عرب و عجم درباره تصوف و جریان تصوفی در هندوستان نوشته اند و قضاوت نادرستی کرده اند. ...

تصوف درسی عملی کتب آسمانیست که قرآن نیز یکی از آنهاست، و بدون شك ارشادات آن تاهنوز هم کشف نشده و تشریح نشده مانده است، هراس من از همین است که بعضی ها تصوف را پدیده ای از ادیان دیگر قلمداد کرده اند، من در رابطه با گفته داکتر شاه حسین همنوا استم که مینویسد: «تصوف اسلامی نه از ویدانت، نه از افلاطونیت، نه از مسیحیت و نه از بودیزم سرچشمه گرفته است، بلکه سرچشمه آن اولتر از همه قرآن و احادیث می باشند. درین باره نظرات صوفیای کرام نیز صادق است، که تصوف را روح اسلام می دانند و برای این ادعای خود آیات قرآنی و احادیث نبوی

دپانو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de يادښت: دلېکنې د ليکنيزې بڼې پښوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په څير و لولئ

را دلیل میاورند و ثابت می کنند که تصوف پدیده بیرون از اسلام نبوده بلکه يك پدیده خالص اسلامی است که براحکام اسلام و سنت نبوی (ص) استوار است»^۱

حضرت باباجان مدت بیست و پنج سال از زندگی خود را در خدمت مزار و لنگر میامرچمکنی، یکی از عارفان مشهور پشتون در نیمقاره سپری نمود است. بعد از مدت یاد شده به بمبئی و از آنجا به سفر حج و از آنجا دوباره نیز به آخرین باشگاه اش که شهر یونه باشد آمد. نویسندگان و علاقمندان می گویند که دوبار به زیارت حج بیت الله مشرف شده است. وبعد از حج دوم اش دوباره به سرزمین های پیشاور و راولپندی که در آنجا روزگاری با خانواده مهاجرش میزیست، برگشت.

معمول چنین است که شماری از ناموران معرفت و تصوف درباره نظریات و اندیشه های خود کتابهای نوشته اند و یا در لای کتابها تمایل و ارادت شان را ارایه داشته اند، ازین لحاظ دانشمندان بعدی نیز به آسانی توانسته اند که در باب آنها بنویسند و قضاوت نمایند. اما در باب این عارفه ربانی نمی توان از روی آثارشان چیزی گفت، زیرا که او عارف کرامات بوده و از وی آثاری به میراث نمانده است. کتابهای که در باب تصوف و سلوک وی نوشته شده آن هم همان آثاری اند که مریدان و اخلاص مندان اش در باب او نوشته اند، که در ذیای طریقت و سلوک شماری از این قماش عارفان نهایت کم است. همین است که در یکی از آثار که در باب ایشان نوشته شده درباره مقام وی میخوانیم:

«مقام معنوی حضرت باباجان ، مقامی است که در جمع صوفیان آنرا تنها قطب میداشته باشد. از لحاظ توضیح ادبی قطب به معنی میخ و محور می باشد، لیکن از لحاظ وظایف قطب یعنی آنکه مرکز و محور چرخهای کاینات را تشکیل می دهد. باباجان و حالت معنوی او را میتوان طوری معرفی کرد که گویا اوبه حال و مرحله رسیده بود که صوفیان آنرا مرحله و حال (سالک مجذوب) معرفی کرده اند. که سالک رسیده به این مقام را سالک مجذوبیت و یاقفای الله (God-realization) نیز می گویند. آن کس میتواند از حالت فنا فی الله به حالت عادی برگردد که به مرحله حقیقت و معرفت رسیده باشد. و قتیکه يك عارفی را حقیقت در آغوش خود می کشد، آنرا میتوان (مجذوب) گفت. اما وقتی معرفت او را احاطه می کند آنرا میتوان (سالک) خواند، که باباجان در وجود خود صاحب هر دو این حال شده بود ازینرو ایشان را به نام (سالک مجذوب) عصر خود یاد کرده اند و او دارنده تمام آن صفات شده بود که قلندران راستین صاحبان آن بودند. حضرت باباجان مانند همه اقطاب دارای دایره دوازده نفری از پیروان و رهروان معنویت بوده که مهربابا مهر آباد - احمدنگریکی از آنهاست. باباجان مانند يك مادر بینظیر سرچشمه روحانیت در میان صوفیان آن زمان قد برافراشت. ^۲»

طریقت حضرت باباجان با طریقت که مثالهای آنرا در گوشه و کنار شبه قاره دیده میتوانیم در تفاوتها جدی مطالعه می گردد، به این معنی که این سلسله را نمی توان در جمع سلسله های آورد که مثالهای آن در طول تاریخ تصوف اسلامی به وفرت دیده می شود، به این معنی که طرز تفکر باباجان را در قدم اول در دایره وسیع روحانیت باید در نظر گرفت، شاید بعضی ها در رابطه چیزهای که تاکنون درین باب گفته نشده ، نیز بگویند، و این امکان هم دارد، من در باب نظریه خود باباجان و روحانیت اسلامی کدام شك و تناقض را نمی بینم، اما سوال در باب این نوع از حلقه روحانیت زمانی که باباجان با حق می پیوندد، روی روابط پیروان و مریدان ایشان بوجود آمده است. ایشان شاید از دایره وسیع روحانیت برون نرفته باشند ، لیکن در دایره ای که منحصر به گرایش و ارادت باباجان بود، نیز نمانده است، تأثیرات مذاهب مختلف موجود در شبه قاره، و حتی تأثیرات روحانیت عیسوی نیز در لای طریقه باباجان نیز به مشاهده می رسد. به هر صورت ، چون این بحث در مطالعه جریان تصوفی شرق و شبه قاره يك بحث جدیدی است ازین لحاظ درینجا به حلقات روحانی اشاره می کنیم که در شبه قاره قبل از بروز جریان گرایش باباجان که من آنرا حلقه (شوریده حالان) نام داده ام وجود داشتند، و این روند روحانی را تحت تأثیر خود آورده است.

یکی از عارفان شوریده حالی که هنگامه و نام ایشان در شبه قاره هند ماندگار و جاویدان است، و تاکنون نیز افکار و نظریات او در محافل تصوفی شبه قاره برای اهل حال منبع فیض بیکران بوده است آن عبارت از حضرت رحمان بابا است که کلام اش را مردم عوام و خواص در هند، پاکستان و افغانستان منبع و سرچشمه فضیلت ابدی قبول کرده اند. رحمان بابا این روحانی معنوی و عارف پر جلال دیار و کشور افغانان در سال (۱۰۴۲ هجری) در نزدیکی شهر پیشاور در قصبه بنام (بهادرکلی) قد برافراشته و یکی از بزرگترین مردان طریقت و تصوف گردید، افغانها وی بخاطر نفوذ و جلال معنوی و ادبی اش او را لقب (بابا) داده اند که تاکنون در جامعه پشتونها دیوان اش را بحیث کتاب مقدس می شمارند و مانند کلام الهی (قرآن شریف) آنرا نیز احترام می کنند، اگر در زبان فارسی مثنوی معنوی مولانا را قرآن در زبان فارسی تذکار داده اند به همین سان اهمیت دیوان رحمان بابا بعد از کلام الهی در زبان پشتونچین بوده است. محمد هوتک نویسنده تذکره معروف شاعران زبان پشतो (پته خزانه) در باب حضرت رحمان بابا علیه رحمه تفصیلات جالبی را ارایه داشته است که درینجا آنرا نقل می کنیم: « عبدالرحمان بابا از قوم مهمند بود، در پیشاور زندگی میکرد، و پدرش عبدالستار نام داشت و در بهادرکلی ساکن بود، رحمان بابا بسال (۱۰۴۲) هجری پیدا گردید و از ملا محمد یوسف یوسفی درس خواند ، و از اوفقه و تصوف آموخت، و بعد از آن به کوهات رفت، و در آنجا هم درس خواند و عالم خوبی گردید،

^۱ - داکتر شاه حسین ، تصوف عهد بعهد ، (به زبان اردو) پته، هند ۱۹۹۷ کال ص (۴۵) .

^۲ - حضرت باباجان شاهنشاه، حلقه روحانیت عصر خود. به زبان انگلیسی ص ۳۳

در جوانی دنیا را ترک داد، و زیاد تر در کوهها می‌گشت، و گاهی میرفت به سوی هندوستان، و عبادت خدا رامیکرد، و به کارهای دنیا مشغول نمی‌گشت، رحمان بابا یگ عالم ربانی و شخص عابدی بود اشعار زیادی را در محبت خدای تعالی (ج) گفت، و در بین پشتونها به (رحمان بابا) مشهور شد. و به سال (۱۱۱۸ هجری) وفات یافت، مردم تاکنون در مقبره او در پیشاور بزیارتش می‌روند و اشعارش را می‌خوانند. فقراً، و دوستداران خدا اشعار عبدالرحمان بابا را زیادتر می‌خوانند و می‌پسندند، و مردم عوام در آن فال می‌بینند و حتی که طبقه زنان هم این کتاب را بسیار می‌خوانند و خدای تعالی در کلامش برکتی نهاده که داروی هردل دردمند است و هر غریب و محتاج رامستغنی می‌سازد»^۳

لقب «بابا» به حیث بزرگترین لقب افتخاری در بین جامعه پشتونها قبول شده است، و کمائی کردن آن یک امتیاز بزرگ معنوی به حساب می‌آید که کار آسانی نیست. بابا بودن و بابا شدن از قدیم الایام سمبول بزرگ منشی افراد با فضیلت و نخبه این قوم باستانی آریانی را انعکاس می‌دهد و تاکنون نیز به همان اهمیت ملی، تاریخی و معنوی اش باقی مانده است. در جامعه افغانی از ازمینه قدیم تا اخیر قرن بیستم، تنها دوسه کس توانسته اند این افتخار معنوی را از آن خود کنند، احمدشاه بابا، و میرویس نیکه، نظر به برجسته گی های ملی و تاریخی خود این افتخار را از جانب مردم کمائی کرده اند، و بعد از آنها رحمان بابا بنابر زهد و تقوی و ریاضت بی ریا و بی مدعایش از سوی مردم مسلمان محل سکونتش کمائی نمود. به سخن دیگر حضرت عبدالرحمان بابا اولین کسی در ساحة روحانیت است که این لقب را نظر به اهلیت معنوی اش از طرف مردم بدست آورده است. میتوان گفت چهارمین شخصیت افغان و دومین شخصیت روحانی حضرت باباجان (خدیجه) بود که این لقب را از سوی مردم بر طبق خواست خودش کمائی نمود. او خوش داشت که مردم او را بجای «بی بی» که لقب زنانه است، وی را «باباجان» بگویند و مردم نیز همه او را «باباجان» خطاب میکردند و با همین لقب در شهر پونه هندوستان معروف و مشهور است.

محمد هوتک نیز اشاره کرده است که زنان دیوان حضرت عبدالرحمان بابا را می‌خوانند و از آن ارزشهای معنوی را میاموزند، همین است که باباجان نیز از اشعار و معنویت رحمان بابا بهره برده و یکی از دل دل داده گان ایشان بوده است. جالبتر از همه اینست، در عین زمان که حضرت باباجان در دکن یا جنوب هند در اوج شهرتش بود، ارزش و اهمیت مقام و منزلت و آژه (بابا) نه تنها در حلقهات عرفانی اسلامی و آژه مورد احترام و قدردانی گردید بلکه این مفهوم و ارزش به حلقهات سادوها و پندت های هندو نیز گسترش یافت. مشهورترین رهنمایان روحانی غیر اسلامی این زمان نیز در پهلوی نامهای خود و آژه «بابا» را برای خود انتخاب کردند و به همین نام یاد گردیدند، که شمار زیاد شان در دکن و یابه اصطلاح جدید در «مهاراشترا»، و اندراپردیش، گجرات و راجستان به فعالیت های روحانی و علمی مصروف تبلیغ بودند.

درین شك نیست که حضرت بابا جان در انتقال لقب بابا به هندوستان پیش قدم گردید، ولی این ثمره همان میراث جاویدان حضرت رحمان بابا بود که توسط این عارفه سرمست و تارک دنیا یگ باردیگر پس از سه و نیم قرن جان میگردد و برجسته گی اش را در ساحة عرفان و تصوف در شبه قاره هند نمایان می‌سازد. درس های جاویدان حضرت رحمان بابا در سراسر هندوستان بخصوص در میان مسلمانان از انظار اهل مراد و اهل فکر بدور نمانده است. در جمع نسخ خطی زبان پشتو در هندوستان یکی هم دیوان حضرت رحمان بابا است که زیب و زینت اکثر کتابخانه های مشهور هند چون رزاریپور در رامپور و غیره می باشد.

بادر نظر داشت این که گفته آمدیم، باید علاوه کرد که حضرت باباجان از جمع حلقه همان قلندران راستین بود که در شرق و خاصاً هندوستان و سراسر شبه قاره شکل یگ مسلک و یگ طریقت را به خود گرفته است که حضرت رحمان بابا طوری که از آثار و اشعارش پیداست در زمان خود از مرشدان معروف و پیر دستگیر قلندران زمان خود بود، و این بیئت درباره صادق قول است که می گوید:

پاچهان که دیلی په تخت نازیږي رحمان کورې پټکی ترلی قلندر دی

ترجمه (پادشاهان اگر بر تخت دهلی مینازند رحمان دستارش راکچ بسته و قلندر است)

وقتی ما جویای احوال و تحقیق در افکار باباجان این عارفه افغان می گردیم، بدون شك درمی یابیم که حضرت بابا جان از افکار و کردار قلندران (رحمانی) نهایت متأثر می باشد همین است که در راه سلوک و عرفان اش به حیث یگ قلندر راستین در راه و عرصه صلح کل و حقیقت کل توسط علم الیقین خود گام نهاده است و دارای همان صفات یقینی گردیده است آنرا که حضرت رحمان در افکارش بیان داشت و می گفت:

چی په یوه قدم تر عرشه پوری رسی ما لیللی دی رفتار درویشانو

ترجمه: (که با برداشتن یگ قدم تا عرش می رسند من دیده ام این گونه رفتار درویشان را)

حضرت بابا جان یکی از دروس خود را فقر اعلام کرده بود، و در میان همه نعمات زندگی بر آن افتخار می کرد، در کتاب «حضرت باباجان شاه همنشاه دایره روحانی عصرش» از وی نقل می کند که می گوید: «Poverty is my glory». (فقر جلال من است.)

و این همان درسی است که حضرت رحمان بابا به آن در اکثر اشعارش به افتخار اشاره می کند و مگوید که:

^۳-پوهاند حبیبی، پته خزانه، چاپ دوم، سال ۱۳۳۹ ص ۹۷

څوك دې راکاندي قسم په کردگار
که درم لرم په کورکي يادینار
زه دینار و درم نه لرم په کورکي
ولي نورڅک مي بولي دنيا دار

ترجمه : (سوگند به ذات کردگار ، اگرمن درهمی باخود داشته باشم. من ازین متاع دنیاچیزی درخانه ام ندارم ، اما با انهم مردمان دیگر مرا دنیادارمي شمارند.)
طوريکه درقبل نیز يادآورشدیم و محققین زندگي بابآجان نیز يادآوري کرده اند، ونوشته اند که این ابیات همیشه برزبان اش جاری میبود که ترجمه انگلیسی اش را به گونه ذیل نوشته اند :

Despite millions of learned pundits
And thousand of wise men
Only God understands his own way of working

واین همان شعر معروف حضرت رحمان بابا است که درآغاز دیوان اش زیب و زینت آن می باشد و همه دوستداران رحمان و خداپرستان که زبان پشتورا میدانند آنرا به حافظه اش مسپارند. اصل شعر رحمان بابا این است.
ترهمه و بزرگوار دی رب زما ... همه گي بزرگواران چي څوك يې وايي



داخل مقبره حضرت بابا جان در شهر پونه هند



صحنه ای از وفات باباجان (۲ سپتمبر ۱۹۳۱) که دران کم از کم یک میلیون ارادتمند وی اشتراک کرده بودند.

پایان

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درېنت تلسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادښت: دلپکنيزې بڼې پاڅوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په خیر و لولئ